

روایتگری خشم و ترس در حکایت هایی از کلیله و دمنه و گلستان

چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر خدایی):

نظریه کنش گفتار یکی از نظریات زبان‌شناسی است که می‌تواند در تحلیل متون ادبی استفاده شود. نظریه کنش گفتار بر پایه نظریات آستین شکل گرفت. او واحدهای ارتباط زبانی را کنش گفتار نام نهاد که بعدها این نظریه را جان سرل جرح و تعدیل کرد. سرل کنش‌های گفتاری را به پنج دسته تقسیم کرد: اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی.

در این مقاله در صددیم از این نظریه برای بررسی یکی از نامه‌ها (عهد نامه مالک اشتر) و یکی از خطبه‌ها (غراء) استفاده کنیم. وجه اشتراکی که موجب انتخاب این دو متن شده است، جنبه ارشادی و به عبارتی غلبه کنش ترغیبی بر این متون است. مقاله پیش رو علاوه بر بررسی این شباهت‌ها، به موجب تفاوت مخاطبان این دو متن، چگونگی استفاده از کنش‌های مستقیم و غیر مستقیم و نیز برخی تمایزات درون کنش‌ها را نیز بررسی کرده است.

ناقد اول (دکتر فولادی):

از جمله نکات مثبت این مقاله تطبیق دادن نظریات جدید با متون مختلف می‌باشد؛ ساختار مقاله (چکیده، مقدمه، متن اصلی و نتیجه) بسیار خوب است؛ در چکیده لازم است در حد بسیار خلاصه، نتیجه مقاله هم آورده شود؛ دیدگاه‌های مقدمه ای بهتر است کوتاه تر شود و در عوض تحلیل‌ها کامل تر گردد؛ بهتر است خطبه کامل غرا و مالک اشتر آورده شود و تحلیل بر روی متن کامل انجام شود؛ بهتر است مقداری نیز درباره خطبه شناسی آورده شود؛ در برخی جاها ترجمه کامل متون نهج البلاغه آورده نشده بود، بهتر است ترجمه کامل بیاید.

ناقد دوم (دکتر صفایی نیا):

با توجه به اینکه مقاله درباره نظریات آستین و سرل است بهتر است که در مقاله اسمی از آنها آورده شود؛ بخشی از مباحث کنش گفتار را در مقدمه بیاورید تا این بخش کامل تر گردد؛ بهتر بود در پیشینه مقاله چندین مقاله که در این باره کار شده است آورده شود؛ حجم مقدمه بیشتر از حجم تحلیل است، بهتر است بخش تحلیل بیشتر از بخش مقدمه باشد.